ریزش خواص در حکومت علوی- ۹

سهم خواص در تضعیف حکومت علوی

حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی

با توجه به مطالب گذشته می‌توان گفت زمینه‌های پیدایش خواص و شخصیت‌های برجسته اسلامی در صدر اسلام امور زیر بوده‌اند؛ سبقت در اسلام، هجرت از مکه به مدینه قبل از فتح مکه، تحمل شکنجه و زندان در سال‌های آغازین بعثت، شرکت در جنگ‌های نخست صدر اسلام، عضویت در میان انصار، برخورداری از فضائل علمی و عملی، نزدیکی و ارتباط با پیامبر(ص)، عضویت در میان کارگزاران رسول خدا(ص)، تأیید و تمجید و یا اشارات قرآن مجید نسبت به برخی از گروه‌ها و افراد، تبلیغات دروغین و شخصیت‌تراشی.

البته موارد فوق تنها زمینه‌های پیدایش و رشد خواص در عصر پیامبر(ص) به شمار می‌آیند و الا زمینه‌های نمو خواص جامعه اسلامی تا سال ۴۰ هجری منحصر به همین‌ها نمی‌گردد، چرا که پس از رحلت رسول خدا(ص) اکثر والیان و فرماندهان نظامی فتوحات و فقها، زهّاد، علما و قضات شهرها در زمان سه خلیفه اول و امام علی(ع) بطور طبیعی به علت موقعیتهای علمی، دینی، اخلاقی، و سیاسی شان در زمره شخصیت‌های بانفوذ جامعه قرار گرفتند.

ازاین‌رو، کارگزاران ابوبکر افرادی همچون عتّاب بن أسید (والی مکه)، عثمان بن أبی‌العاص (والی طائف)، حذیفهٔ بن محصن (فرماندار عمان)، علاء بن حضرمی (والی بحرین)، خالد بن ولید (فرمانده سپاه شام)، مثنّی بن حارثه شیبانی (والی کوفه)، سُوَید بن قُطبهٔ (والی بصره) از خواص جامعه شمرده می‌شدند.

و یا عمّال عمر افرادی مثل سعد بن ابی‌وقّاص (والی کوفه)، ابوموسی اشعری (والی بصره)، عُمیر بن سعد أنصاری (والی حمص)، زیاد بن لبید (والی بخشی از یمن)، أبوهریره (والی عمان)، نافع بن حارث (والی مکه)، یعلی بن منیهٔ تمیمی (والی صنعاء)، حارث بن أبی‌العاص ثقفی (والی بحرین)، عبدالله بن أبی‌ربیعه (فرمانده سپاه عمر) و کارگزاران دوران خلافت عثمان مانند یعلی بن منیه (والی یمن)، عبدالله بن عمرو حضرمی (والی مکه)، جریر بن عبد الله بجلی (والی همدان)، قاسم بن ربیعه (والی طائف)، ابوموسی اشعری(والی کوفه)، عبدالله بن عامر بن کریز (والی بصره)، عبدالله بن سعد بن ابی سرح(والی مصر)، معاویهٔ بن ابوسفیان (والی شام) جزء خواص به شمار می‌آمدند.

فقهای دوران خلافت خلیفه اول و دوم و سوم، افرادی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، أبی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری، أبودرداء، أبوسعید خدری، عبدالله بن عمر، سلمان بن ربیعه باهلی، جزء خواص فرهنگی و دینی بودند.

فصل سوم: سهم خواص در تضعیف حکومت علی(ع)

قدرت مقابله هر نظام در مقابل هجوم خطرها، معیار سنجش اقتدار آن نظام است و اقتدار هر نظام بستگی به پشتیبانی و همکاری مردم با آن نظام دارد. لذا یکی از نشانه های افول اقتدارِ یک حکومت این است که توان پاسخ گویی به هجوم دشمن را از دست بدهد. به دیگر سخن هرگاه یک نظام سیاسی قدرت دفاع از خود را از کف بدهد به زوال گراییده محکوم به ضعف خواهد شد. حکومت علی(علیه السلام) نیز به خاطر عهد شکنی و یا بی‌بصیرتی بعضی از خواص، از این قاعده کلی مستثنا نبود، از این رو بعد از جنگ صفین هنگامی که شبیخونهای نظامیان معاویه به قلمرو حکومت علوی آغاز شد و سپاه حضرت به علت عدم همکاری مردم نتوانست به موقع به حملات آنها پاسخ بدهد، نشانه‌های ضعف در قدرت حکومت حضرت نمایان گردید و روز به روز بیشتر خود را نشان داد، به طوری که هنگام سقوط مصر توسط سپاه معاویه، حضرت برای دفاع از مصر، از مردم کوفه یاری خواست، ولی کوفیان به دعوت امیرمؤمنان (علیه السلام) پاسخ مناسبی ندادند، ابتدا از حضور در لشکرگاه خودداری ورزیدند و بعد از اصرار زیاد تعداد اندکی برای دفاع از محمد بن ابی‌بکر در مصر مهیا شدند؛ ولی زمانی این لشکر اندک آماده شد که کار از کار گذشته بود و خبر سقوط مصر و کشته شدن محمد بن أبی‌بکر به دست سپاه معاویه به کوفه رسید.

نکته در خور توجه این است که شبیخونهای تجاوزگران شام به قلمرو حکومت علی(علیه السلام) درست مقارن بروز تفرقه و سستی در میان سپاهیان آن حضرت و نافرمانی‌شان از آن بزرگوار بوده است. بنابراین می‌توان گفت پدیده شوم عصیانگری و سستی و کاهلی یاران علی(علیه السلام) در فرمانبری از آن حضرت، یکی از عوامل فرسودگی و از دست رفتن اقتدار حکومت ایشان بوده است، از این رو شایسته است. عواملی که موجب نافرمانی و جدایی مردم از علی(علیه السلام) بوده‌اند مورد بررسی قرار گیرد.

> **هرگاه یک نظام سیاسی قدرت دفاع از خود را از کف بدهد به زوال گراییده محکوم به ضعف خواهد شد. حکومت علی(علیه السلام) نیز به خاطر عهد شکنی و یا بی‌بصیرتی بعضی از خواص، از این قاعده کلی مستثنا نبود، از این رو بعد از جنگ صفین هنگامی که شبیخونهای نظامیان معاویه به قلمرو حکومت علوی آغاز شد و سپاه حضرت به علت عدم همکاری مردم نتوانست به موقع به حملات آنها پاسخ بدهد، نشانه‌های ضعف در قدرت حکومت حضرت نمایان گردید و روز به روز بیشتر خود را نشان داد.**

به بیان دیگر با دقت در مراحل مختلف حکومت حضرت امیر (ع) به روشنی به دست می آید، هرگاه مردم از علی(علیه السلام) حرف شنوی داشتند و مطیع فرمان آن حضرت بودند، اقتدار حاکمیتش محفوظ می‌ماند و عقب‌نشینی و شکست زمانی نمایان گردید که بخشی از مردم دست از تبعیت از امام برداشته و از اطاعت ایشان سر باز زدند. بنابراین شناسایی علت اصلی بی‌وفایی مردم نسبت به آن حضرت، موجب کشف علت حقیقی تضعیف حکومت آن بزرگوار می‌گردد.

به راستی چه حادثه‌ای رخ داد که در پی آن، جمعیت انبوهی که سال سی و پنج هجری پس از کشته شدن عثمان، گرداگرد حضرت را گرفته و با اصرار، آن حضرت را به پذیرش خلافت وادار نمودند به طوری که حضرت فرمودند:

«ازدحام مردم که همچون دسته‌های فشرده کَفتار به سویم می‌آمدند، مرا به قبول خلافت واداشت، آنان از هر طرف مرا احاطه کردند به طوری که نزدیک بود حسن و حسین زیر دست و پا لِه شوند، پهلوهایم در هم فشرد، مردم همچون گوسفندانی (گرگ‌زده که دور چوپان جمع می‌شوند) گرد من جمع شدند.»

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

پرواز ۶۵۵ (۳۳)

فرار از چنگ مأموران ساواک

دیگر واقعاً احساس ناامیدی می‌کردم.

روز هفتاد و چهارم هوا سرد و بارانی بود، با پرونده‌ای که برایم درست شده بود به طرف دادسرا رفتم، حداقل چیزی که انتظارش را داشتم حبس ابد بود.

همه راه را دعا خواندم، عاقبت ماشین قبل از دادسرا توقف کرد، پیاده شدیم. سرباز جوانی که یکی از دو مأمور تحویلم بود، یکی از دستبندهایم را باز کرد تا به دست خودش قفل کند که ناگهان بدون معطلی با مشت به صورتش کوبیدم و با سرعت تمام شروع به دویدن کردم. مطمئن بودم که چیزی فراتر از حد و مرز نیروی بشری به ساق پاهایم فرمان می‌دهد. از مقابل چشم مأمورین دستپاچه که گمان نمی‌کردند یک زندانی درست مقابل دادسرا بخواهد از دستشان فرار کند، گریختم. اندوه و عشق مغزم را تسخیر کرده بود. از مدت‌ها قبل، از اولین روزی که چشمم به اولین زندانی‌های شکنجه شده خورد یا حتی قبل از آن، از لحظاتی که صدای فریادهای دلخراششان را شنیدم، به فرار فکر کرده بودم. مدت‌ها حیاط زندان را که میله‌های بلند داشت و کمترین امیدی به رهایی از آن نبود وارسی کرده بودم. هر نقطه‌ای را که یک محکوم به مرگ برای فرار به آن فکر کرده بود، زیر نظر گرفتم اما از آن زندان مخوف هیچ راهی به بیرون وجود نداشت، اگر امیدی پیدا می‌شد، به هر جای فراری که قبلاً یک نفر قدم بر آن گذاشته بود، قدم می‌گذاشتم، به رد هر پنجه‌ای که بر جای مانده بود، چنگ می‌انداختم اما هیچ امیدی نبود. اگر هم بود، پس از ۷۴ روز شکنجه‌های طاقت‌فرسا همه اندیشه‌هایم کور شده بود. دیگر آرزوهایم را تاریک و دور از دسترس می‌دیدم و ناامیدی تقریباً نیروی ذهنم را از کار انداخته بود. قبل از این‌که پایم به آن سوی خیابان برسد و از دسترس مأمورها دورتر شوم، اول صدای فرمان ایست و بعد صدای شلیک چند تیر را شنیدم اما من همچنان دویدم، دیگر راه بازگشتی نبود، آب که از سر می‌گذرد چه زیاد و چه کم! سوزشی ناگهانی بازوی راستم را فلج کرد اما همین سوزش جرأتم را هم زیادتر کرد، دیگر ترسی وجود نداشت. نفسی تازه کردم و میان خیابان‌ها دویدم. حس می‌کردم باد زخم‌های صورتم را شیارشیار می‌کند اما وحشت از ماندن و گرفتار شدن فرصت ایستادن نمی‌داد، می‌دویدم و سعی می‌کردم گره‌های ذهنم را یکی یکی باز کنم. عاقبت داخل یکی از کوچه‌ها به داخل راهروی در نیمه گشوده خانه‌ای پریدم، لحظاتی ایستادم و بعد آهسته خودم را داخل زیرزمینی تاریک و نمور کشیدم. خیسی خون را می‌توانستم روی بازویم حس کنم، ساعت‌ها همان‌جا ماندم و بی‌صدا به ثانیه‌ها و دقیقه‌ها گوش دادم. بعد از گذشت ساعت‌ها دلم می‌خواست بخوابم اما ترس از گرفتاری هشیارم کرده بود، نمی‌دانم چه مدت گذشت، هوا تقریباً تاریک شده بود که با جیغ زنی که به زیرزمین آمده بود، میان کوچه پریدم و دوباره شروع به دویدن کردم، تا این‌که عاقبت کنار ستون سنگی یک پل ایستادم. ماشین حمل‌باری روی سینه خاکی جاده متوقف شده بود، راننده سیگاری روشن کرده بود و لاستیک جلویی ماشین را با صبر و آسودگی در جای خودش محکم می‌کرد، این اتفاق را به فال نیک گرفتم و به زحمت از کامیون بالا رفتم و به سختی گوشه کوچکی در لابه‌لای اسباب و اثاثیه‌ای که کیپ تا کیپ کنار هم چیده شده بود، پناه گرفتم. این هم از رازهای زندگی است، وقتی سخت می‌شود، آدم به زندگی محکم‌تر می‌چسبد و به هر دری می‌زند تا آن را حفظ کند. گاهی حتی نمی‌داند به کدام در زده و کدام راه درست است. زخمی، گرسنه، خسته و سرگردان به سویی می‌رفتم تا زندگی‌ام را نجات دهم اما حتی نمی‌دانستم ماشین به کدام سو می‌رود.

در این فاصله که حسنعلی منصور، در میدان بهارستان ترور شد و امیرعباس هویدا، جایگزین او گشت و فعالیت‌های! جبهه ملی رو به افول دوباره نهاد، مأموریت احسان نراقی، به سوی جامعه سوسیالیست‌ها تغییر جهت داد[۲۵۴] در سفری که در دی ماه سال ۱۳۴۴ش، با هدایت سفارت آمریکا در ایران، به آمریکا داشت، در سخنرانی خود در دانشگاه برکلی و در جمع دانشجویانِ ایرانی، به جبهه ملی حمله کرد و گفت:

«جبهه ملی بزرگترین ضربه را به روحیه جوانان ایران وارد کرده و دیگر نمی‌تواند در ایران اقدامی به عمل آورد.»[۲۵۵]

ولی با وجود این حمله، باز هدایتِ

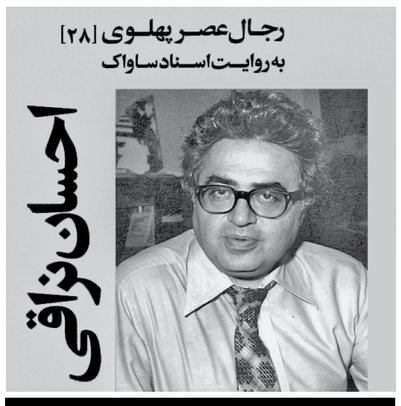

احسان نراقی-۲۷

نقش نراقی
در کنترل حرکت‌های دانشجویی خارج از کشور

نیروهای جوانی که تحت عنوانِ «جبهه ملی سوم» در فرانسه درحال نشو و نما بودند را به عهده گرفت تا در جریان مقابله با حرکت‌های دانشجویی در خارج از کشور که به معضلی برای رژیم شاهنشاهی و ساواک تبدیل شده بود، مانندگذشته فعالیت نماید.[۲۵۶]

و نکته جالب این است که او، حتی وظیفه پیک برای انتقال نشریات و کتب آنان را، در سفرهای خود، به عهده می‌گرفت. حال، این محموله‌ها به مقصد می‌رسید یا نه، حکایتی است که اطلاعی از آن در دست نیست:

«چندی قبل، (حدود سه هفته)، احسان نراقی، رئیس مرکز تحقیقاتی و اجتماعی که به تهران می‌آمد، تعداد زیادی از کتاب‌ها را به او تحویل دادند که در تهران به دست کسی که می‌شناسد، برساند و در دانشگاه و مراکز دیگر به وسیله آن فرد به فروش رود.»[۲۵۷]

البته این حرکتِ دوگانه، از نگاه برخی از اعضای جبهه ملی مخفی نبود، کما اینکه کیامرز شاملو که از اعضای هیئت اجرائیه بود، می‌گفت:

«دکتر احسان نراقی، که مربوط به مطالعات و تحقیقات سازمان امنیت است، در ظاهر خود را طرفدار دانشجویان جبهه ملی نشان می‌دهد. بدان جهت در روز ۴۶/۱۰/۲۰ عده‌ای از دانشجویان را دور خود جمع کرده بود، که جلب نظر و اطمینان بنماید و عده‌ای از دانشجویان گول می‌خورند و باورشان می‌آید؛ ولی عده‌ای هم مثل من، می‌دانند که دروغ می‌گوید، می‌خواهد خود را در جریان گذاشته، تا برای دستگاه کار کند.»[۲۵۸]

حضورِ احسان نراقی در پاریس، از سال ۱۳۴۸ش به بعد، ارتباط وی با نیروهای موسوم به «جبهه ملی سوم» را گسترده و نزدیک‌تر کرد[۲۵۹] که این حضور، به ارائه توانمندی او در ایجاد تشکل و ارتباط با جوانان، نسبت داده شد:

«خواسته است مقیم پاریس باشد، تا طرفداران جبهه ملی را دور خود جمع کند و به دستگاه بفهماند که او قادر است در هر جا، این گونه جوانان را قبضه کرده و در اختیار بگیرد.»[۲۶۰]

احسان نراقی به دلیل موقعیتِ حقیقی و حقوقی که داشت، پس از بازگشت به ایران نیز، این ارتباطات را حفظ کرد و گهگاه در حلقه آنان، که اینک، دیگر هیچ حرکتی نداشتند، حضور می‌یافت،[۲۶۱] تا زمانی که انقلاب اسلامی به نقطه‌های پیروزی خود نزدیک شد و آمریکایی‌ها توسل به اعضای قدیمیِ جبهه ملی را یکی از راه‌های نجات رژیم شاهنشاهی تشخیص دادند، احسان نراقی نیز به دلیل ارتباطِ دیرینه‌ای که با غلامحسین صدیقی داشت، در این برهه، دوباره به میدان آمد تا شاید، در این حرکت، نقشی ایفا نماید.

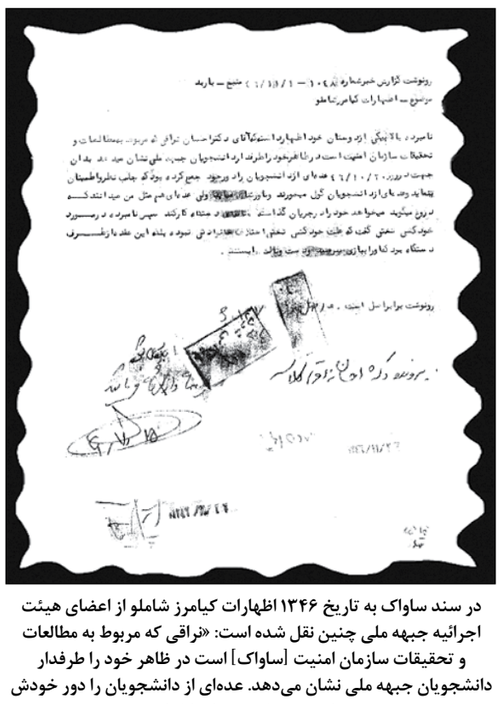

در سند ساواک به تاریخ ۱۳۴۶ اظهارات کیامرز شاملو از اعضای هیئت اجرائیه جبهه ملی چنین نقل شده است: «نراقی که مربوط به مطالعات و تحقیقات سازمان امنیت [ساواک] است در ظاهر خود را طرفدار دانشجویان جبهه ملی نشان می‌دهد. عده‌ای از دانشجویان را دور خودش جمع کرده تا برای دستگاه کار کند.»

احسان نراقی و انگلیس

یکی از ابهام‌انگیزترین ابعادِ زندگی احسان نراقی، چگونگیِ روابط او با انگلیس است. او، زمانی از ژنو به ایران آمد که حال و هوایِ ضدانگلیسی، بر فضایِ سیاسیِ جامعه حاکم بود و دولت دکتر مصدق، قطع رابطه با انگلستان را اعلام نموده بود.[۲۶۲]

در این شرایط، احسان نراقی، به عنوان یکی از افراد منتسب به دولت که با آیت‌الله کاشانی(ره) نیز نسبت فامیلی داشت، به فعالیت‌های پنهانی! مشغول شد:

«من، دوستی فرانسوی داشتم به نام پل ماتیو، که درحال حاضر، سرهنگ بازنشسته ارتش است و در شهر تولن در جنوب فرانسه زندگی می‌کند. این افسر ارتش فرانسه، در زمان جنگ، یک کماندوی نهضت مقاومت را در کوه‌های آلپ فرانسه، هدایت می‌کرد. او می‌گفت که انگلیس‌ها، در دو نوبت در سال ۱۹۴۴، یعنی سال آخر جنگ، به ظاهر سهواً، ولی به اعتقاد دوست من عامداً، محل آنها را بمباران کرده بودند ... دوست من، به همین دلیل از انگلیسی‌ها دلخور بود و تا می‌توانست، به من اطلاعاتی درباره فعالیت انگلیس در ایران می‌داد. روزی از او سؤال کردم که به نظر تو، انگلیس پس از بسته شدن سفارتخانه‌اش، به چه وسیله‌ای دستورهایش را به شبکه‌های ارتباطی خود منتقل می‌کند. ماتیو گفت: تا پانزده روز دیگر به من جواب خواهد داد. سرِ پانزده روز، به من گفت: در هفته، دو پرواز از بغداد به تهران وجود دارد و انگلیسی‌ها، پیام هایشان را به وسیله کیسه پستی سفارت عراق در تهران، به عواملشان می‌رسانند.»[۲۶۳]

پی نوشت‌ها در دفتر روزنامه موجود است

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

یک شرکت معتبر دولتی قصد دارد قسمتی از عملیات اجرایی تقاطع غیر همسطح میدان ولیعصر(عج) را با شرایط ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

موضوع: اجرای دستمزدی قالب‌بندی، بتن‌ریزی و آرماتوربندی Span (طبق نقشه‌ها، مشخصات فنی و موضوعات مندرج در جدول پیوست)، پروژه تقاطع غیر همسطح میدان ولیعصر(عج).

محل، مدت، نحوه دریافت اسناد:

الف- از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته جهت خرید اسناد مناقصه به نشانی شیراز - بلوار پاسداران - نبش خیابان مبعث جنب موسسه مالی و اعتباری آرمان - ساختمان امین طبقه۴ مدیریت قراردادها شماره تماس: ۳۸۳۳۳۲۲۰-۰۷۱ داخلی۴۰۷ مراجعه نمایند.

ب- دریافت اسناد فقط با ارائه اصل فیش واریز وجه به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۸۸۷۷۴۱۷۱۳۰۷۹۴ بانک مسکن شعبه ولیعصر - در وجه شرکت امکان‌پذیر است. وجه مذکور به هیچ عنوان قابل استرداد نخواهد بود.

ج - میزان سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ضمانتنامه بانکی معتبر طبق فرمت مندرج در اسناد و به مدت حداقل سه ماه می‌باشد.

لازم بذکر است کارفرما در انتخاب پیمانکار مختار بوده و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای سید سعید قائم‌مقامی فرزند سیدامان‌اله به ش‌ش ۸۴۹۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۸۴/۹۴/ش ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سیدامان‌اله قائم‌مقامی فرزند سیدحبیب اله به ش‌ش ۳۷۷۳ در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- سیدسعید قائم‌مقامی به ش‌ش ۸۴۹۵ متولد ۱۳۴۱ ۲- سیدحسن قائم‌مقامی به ش‌ش ۹۵ متولد ۱۳۳۶ ۳- سیدصدرا قائم‌مقامی به ش‌ش ۸۲۶۰ متولد ۱۳۴۰ ۴- سیدسراج قائم‌مقامی به ش‌ش ۹۰۴۱ متولد ۱۳۴۴ ۵- سیدشهاب قائم‌مقامی به ش‌ش ۲۰ متولد ۱۳۴۹ ۶- سیدعباس قائم‌مقامی به ش‌ش ۲۶ متولد ۱۳۵۲ ۷- طوبی قائم‌مقامی به ش‌ش ۶۸ متولد ۱۳۳۱ ۸- سیده زهرا بیگم قائم‌مقامی به ش‌ش ۱۴۲ متولد ۱۳۵۸ همگی صادره از سمیرم (فرزندان متوفی) و لاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک‌ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

علیرضا رفیعی
قاضی شورای حل اختلاف شماره یک شهرستان سمیرم

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم پروین دخت‌طائی فرزند اسداله به ش‌ش ۴۸۷۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۸۱/۹۴/ش‌ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خدیجه بیگم طائی فرزند سیدمیرزا به ش‌ش ۴۱۱۴ در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۲ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- پروین دخت‌طائی فرزند اسداله به ش‌ش ۴۸۷۸ متولد ۱۳۱۴ ۲- نعمت‌اله طائی فرزند علیداد به ش‌ش ۳۵۰۵ متولد ۱۲۹۲ ۳- حبیب‌اله طائی سمیرمی فرزند کربلائی علیداد به ش‌ش ۳۳۵۸ متولد ۱۲۹۴ ۴- میرزاحسن طائی فرزند اسداله به ش‌ش ۴۱۱۶ متولد ۱۳۰۷ همگی صادره از سمیرم (فرزندان متوفی) و لاغیر.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

ابوالحسنی زارع
قاضی شورای حل اختلاف و رئیس شورای حل اختلاف شهرستان سمیرم

«آگهی دعوت سهامداران به تشکیل مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول»
شرکت خدماتی شهرک صنعتی نظرآباد (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۸۷۳ شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۵۱۸۹۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده **نوبت اول** این شرکت راس ساعت ۱۰ **صبح روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱۱/۲۵ در محل دفتر مدیریت شهرک واقع در شهرک** صنعتی نظرآباد واقع در جاده مصطفی‌آباد - میدان مقدم (میدان سپهر) خیابان ششم ساختمان مدیریت شهرک صنعتی نظرآباد تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانید.

مدارک مورد نیاز جهت حضور در مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت خدماتی:
۱- حضور طرف قرارداد بهمراه اصل دفترچه قرارداد، کارت ملی طرف قرارداد و آگهی آخرین تغییرات صاحبان امضاء
۲- حضور وکیل بهمراه وکالتنامه محضری و کارت ملی وکیل
۳- ارائه برگه معرفی نماینده که توسط شرکت شهرکهای صنعتی استان البرز تایید شده است.

مصوبات مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه سهامداران اعم از حاضر و غائب نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:
۱. انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره وفق ماده ۲۰ اساسنامه شرکت خدماتی شهرک صنعتی نظرآباد
۲. انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل وفق ماده ۳۵ اساسنامه شرکت خدماتی.

هیئت مدیره شرکت خدماتی شهرک صنعتی نظرآباد (سهامی خاص)

آگهی مناقصه
نوبت سوم

فرماندهی کل آجا
فرماندهی قرارگاه پدافند هوایی
خاتم‌الانبیاء(ص)

پایگاه پدافند هوایی سمنان در نظر دارد اقلام غذایی مورد نیاز را از طریق مناقصه خریداری نماید. لذا پس از انتشار آگهی به مدت ۵ / پنج روز با مراجعه به انتظامات پایگاه هوایی سمنان نسبت به دریافت و تکمیل فرم‌های مربوطه و با توجه به بندهای ذیل ذکر مشخصات و تحویل مدارک اقدام نمایند.
۱- ارائه مجوز شرکت و اساسنامه ۲- تکمیل فرم استعلام بهای مخصوص یگانی
۳- ارائه اصل فیش واریزی به مبلغ ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری طلایی ۵۱۵۱۵۷۲۸۰۲۰۱۰ نزد بانک سپه
ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد و در صورت رد شدن مبلغ واریزی مسترد خواهد شد.
شماره تلفن تماس: **۳۳۶۰۱۴۲۳-۰۲۳**
آدرس: سمنان- میدان استاندارد- جاده نظامی- پایگاه پدافند هوایی سمنان (کیلومتر ۴۰)

فراخوان مناقصه نوبت دوم

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم در نظر دارد پروژه اجرای عملیات آبخیزداری در حوزه فاقد سد (قمرود) به شماره مناقصه ۹۴/۱۰ را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی به پیمانکاران واجد شرایط در رشته آب پایه۳ و به شرح زیر واگذار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارسال پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مورخ ۹۴/۱۱/۶ می‌باشد.
- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱۱/۱۱ می‌باشد.
- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها پایان وقت مورخ ۹۴/۱۱/۲۲ و گشایش پیشنهادها در ساعت ۹ مورخ ۹۴/۱۱/۲۵ می‌باشد.
- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۶۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ششصد و هفتاد و دومیلیون ریال) طبق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی تهیه و ارایه گردد.
- برآورد اولیه ۱۳/۴۴۷/۴۵۷/۲۴۰ ریال و بر مبنای فهرست بهای رشته کشاورزی، منابع طبیعی و آبخیزداری سال ۱۳۹۴ می‌باشد.
- مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است.
اطلاعات تماس سامانه ستاد: ۲۷۳۱۳۱۳۱-۰۲۱
- تحویل پیشنهادها، از طریق سامانه فوق‌الذکر و گشایش پاکات در اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان قم به نشانی جاده قدیم اصفهان- جنب بوستان علوی با کدپستی ۳۷۱۶۱۵۳۱۱۴ انجام خواهد شد.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۵۱ فرعی از ۳۱۵۴ اصلی بخش ۴ قزوین ذیل ثبت ۳۳۷۳۵ صفحه ۱۷۶ دفتر جلد ۱۳۴ به شماره چاپی ۷۶۷۷۸۹ به نام علی زمانی صادر و تسلیم گردیده است. سپس تمامی مورد ثبت برابر سند شماره ۷۵۸۶۳ مورخ ۸۹/۳/۱۵ دفتر ۱۱ قزوین در رهن بانک ملت شعبه امام خمینی قزوین می‌باشد.
با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هر کس به نحوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد. پلاک فوق سابقه بازداشت ندارد.
تاریخ انتشار: ۹۴/۱۱/۱۰

حسن غلامحسینی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قزوین

آگهی تغییرات شرکت یکتاسازان سروش امید سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۵۷۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۲۲۷۹۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۳ به تصویب رسید.
موسسه حسابرسی آریان فراز به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۲۶۳۶ به عنوان بازرس اصلی و فاطمه کرمی به شماره ملی ۰۰۸۰۱۷۸۵۳۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

دادخواست هیئت تشخیص

خواهان آقای رضا مختاریان به شماره ملی ۴۳۲۳۳۳۶۳۰۶ بطرفیت تعمیرگاه مجاز نیسان آقایان سیدعباس احمدی و امیر شلویری ورثه آقای احمد شلویری به خواسته واریز حق بیمه نزد سازمان تأمین اجتماعی اقامه دعوی نموده است که جهت رسیدگی به هیئت تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قزوین واقع در نواب فلکه شهیدحسن‌پور مجتمع ادارات ارجاع و به کلاسه پرونده ۹۴/۱۰۹۶ ثبت گردیده و وقت رسیدگی در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ تعیین شده است که به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان (شاکی) و به تجویز ماده ۴۸ آیین دادرسی کار مصوب ۹۱/۱۱/۷ وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با توجه به تصمیم اعضاء هیئت تشخیص مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به هیئت تشخیص مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خویش، نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن را دریافت و دروقت مقرر جهت رسیدگی حضور به هم رساند.

اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قزوین

اصل سند کمپانی خودرو سواری سیستم ام‌وی‌ام تیپ ۳۱۵ مدل ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ۲۷-۳۷۳ج۷۱ به شماره موتور MVM۴۷۷FJAD۰۱۱۱۳۲ به شماره شاسی NATFBKD۸D۱۰۰۱۵۱۳ به نام حسن محمدزاده اصل فرزند محمد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای اردشیر رجبی دارای شناسنامه شماره۴۰۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۵۵۰/۹۴ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نصرت‌خانم حیدری به شناسنامه ۶۰ در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۱۹ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحومه منحصر است به ۱- اردشیر رجبی فرزند رجبعلی ش‌ش۴۰